



mtarbiat.ir

مبانی تربیت و رشد اسلامی

مستندات جلسه هشتادم

موضوع:

سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری

و نسبت آن با دوره تربیت و رشد اسلامی (۱۰)

سی و یکم فروردین ۱۴۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

هشدار دربارهٔ التقاط نقطهٔ مقابل تحجر

تبلیغ، یعنی رساندن. اگر ما بتوانیم پیام خدا را به دلها منعکس کنیم و آن نور درخشنده را به جانهای پاک بتابانیم، وظیفه بزرگ خودمان را انجام داده‌ایم. این همان وظیفه پیامبران است. حتی تشکیل حکومت اسلامی، جهاد فی سبیل الله، مبارزات بزرگی که علمای دین و اولیای دین و انبیای الهی انجام داده‌اند، به نحوی مقدمه برای این هدف است که حقایق الهی به دلهای پاک برسد. ببینید حقایق دین و حقایق الهی چقدر مهم و حائز اهمیت است! ما نباید این را دست کم بگیریم. این که بارها گفته میشود حقایق ناب را به مردم بدهیم، یا قبل از آن، حقایق ناب را خود ما کشف کنیم، برای این است.

حقیقت ناب و اسلام ناب که امام بزرگوار بر روی آن این همه تأکید میکردند، برای این است که ما این متاع را - که متاع ذهن مردم و متاع مغزها و متاع دلهاست - خالص، بدون غلّ و غش، بدون تقلّب و بدون کم و زیادهایی که دستهای خائن و گنهکار یا غافل و جاهل به وجود آورده‌اند، به مخاطبان برسانیم. این بزرگترین امانت الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء/۵۸). بزرگترین و نفیس‌ترین و مؤثرترین و گرانبهاترین امانتی که خدای متعال به ما داده است، معارف الهی و حقایق الهی است. اینها را بایستی به صورت ناب و به صورت خالص، هرچه نزدیکتر به واقع به دست بیاوریم و آن را به مخاطب برسانیم.

یکی از موانع در این راه، عبارت است از سهل‌انگاری؛ یعنی هر

حرفی که به ذهن کسی برسد و به عنوان دین بگوید؛ هر غیر متخصص و ناواردی، آنچه را که به سلیقه خودش خوب می‌آید، به دین نسبت دهد و منعکس کند. این آفت است که به اشتباهها، به انحرافها، به التقاطها، به کجرویهای فکری و علمی و به دنبال آن به فاجعه‌های اجتماعی منتهی می‌شود. آفت دوم، تحجّرها، بدفهمیها، تشخیص ندادن مطالب مهم و عمده کردن مطالب کوچک است. بین این دو، صراط مستقیم الهی را بایستی پیدا کرد و این کار، کار شما جوانان است؛ کار شما فضلاء حوزه است؛ کار شما علمای معظّم است که باید تحتِ اشراف بزرگان و اعلام و مراجع بزرگ دینی، در حوزه‌ها انجام گیرد که بحمدالله به برکت انقلاب، این کارها شروع شده است. حالا با روندهای کُند یا تند یا متناسب، به هر حال این کارها شروع شده است؛ باید اینها را دنبال کنید. (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون؛ ۱۳۷۷/۹/۲۳)

التقاط به خاطر جذب

شما به آن نکات اساسی مسائل دین و پایبندی به دین و مسأله‌ی تعبّد و بخصوص مسأله‌ی که وابسته‌ی به انقلاب است - مثلاً درباره‌ی مسائل جامعه‌شناسی - با دید یک مسلمان انقلابی که در محیط انقلاب رشد کرده، تحلیل کنید. هیچ وقت دید علمی نمیتواند انسان را از این انگیزه‌ها و از این جهتگیریها مجرّد کند.

البته چیزهایی می‌گویند، برای این که از ارزشها و از آن جهتگیریها و هدفگیریهای درست لخت کنند! لیکن خیر؛ این به نظر بنده اصلاً منطقی و صحیح نیست. با همان دید انقلابی، با همان تفکّر اسلامی محض و با تکیه‌ی به طور کامل به منابع اسلامی، وارد شوید. هیچ‌گونه معامله‌ای را بر سر این قضیه نپذیرید و به طور قاطع رد کنید.

ما یک روز - قبل از انقلاب - برای جذب مجموعه‌ای از جوانان، به این بلیّه دچار شدیم - ما، یعنی مجموعه‌ی دینی - البته بعضی بیشتر دچارش شدند، بعضی کمتر، بعضی هم اصلاً - بینی و بین‌الله - دچار نشدند. که حالا بیاییم چیزی را برطبق آنچه او دلش می‌خواهد، ببینیم آن را میشود کاری کرد! آن وقت دنبال این «آن را میشود کاری کرد»، به توجیه و تأویل افتادیم - توجیه‌هایی که خود ما هم که حالا نگاه میکنیم، قطعاً، قاطعاً رد میکنیم! این، به حرکتهای التقاطی بسیار بسیار خطرناک منتهی شد.

تعجب نفرمایید اگر بگویم که حرکتهای التقاطی‌ای که کشور و ملت ما را لرزاند و هنوز هم که هنوز است، تأثیرهای منفی خودش را میگذارد، از ما شروع شد! ما که عرض میکنم، یعنی طبقه‌ی ما. کسانی از معممین، روی ملاحظه‌ی این که حالا اینها بدشان نیاید، آمدند و بینات شرعی و اسلامی را از قرآن و حدیث، تأویل و توجیه کردند! به خاطر این که با نظر و فکر آنها تطبیق کند! این گونه بود.

خیلی خوب است که من همین جا بگویم: آن کسی که من دیدم در این زمینه، انصافاً به سر مویی انعطاف - همان «شیئاً قلیلاً» که در قرآن است، «وَلَوْ لَا أَنْ تَبْثُنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئاً قَلِيلاً» (اسراء/۷۴) - هم راضی نشد، مرحوم مطهری بود؛ یعنی هیچ! بقیه، هر کسی، کمی، زیادی، یک طور؛ بعضی که دیگر تا انتها رفتند!

مرحوم آقای حاج آقا حسین قمی به شخصی گفته بود شنیده‌ام تو آدم رفیق بازی هستی. من هم رفیق بازم؛ اما من تا دم جهنم با رفیقم میروم، جلوتر نمیروم! شنیدم که تو، تا آن توتوها هم میروی! غرض؛ بعضیها برای این جهت، تا آن توتوها هم رفتند! [\(بیانات در دیدار](#)

[اعضای دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ ۱۳/۸/۱۳۷۶\)](#)

شهید مطهری و اعتقاد به اسلام ناب

به گمان من وقت آن رسیده که ندای بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی نه تنها در جامعه ما که در سراسر کشورهای اسلامی طنین انداز شود و در آن صورت دور نخواهد بود که صدای شکستن زنجیرهای بندگی و بردگی را بشنویم و شاهد اقتدار دوباره ملل مسلمان باشیم. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۲۴)

ما اگر مکتب مستقل خودمان را ارائه نکنیم حتی با این که رژیم را ساقط کرده ایم و حتی با این فرض که به استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی را به دست آوریم اگر به استقلال فرهنگی دست نیابیم شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۶۴)

پیروزی نهضت ما در آینده بستگی به ایمان به خود و احیای ارزشهای اصیل اسلامی دارد. اگر راه خود را بر اساس معیارهای اسلامی دنبال کنیم و مقاصد و معایب را تنها بر اساس ضوابط اسلامی از میان برداریم و صبر و تقوای اسلامی داشته باشیم و روحیه جهاد و امر به معروف و نهی از منکر اسلامی در ما زنده باشد، در آن صورت پیروزی ما قطعی خواهد بود. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۲۳)

به عقیده من این مکتب های التقاطی ضررشان برای اسلام از مکتب هایی صریحا ضد اسلام هستند اگر بیشتر نباشد کمتر نیست و انقلاب ما اگر می خواهد پیروزمندانه راه خودش را ادامه دهد باید خود را از همه این پیرایه ها پاک کند و در راه احیای ارزشهای اسلام راستین - اسلام قرآن و اهل بیت علیهم السلام - حرکت کند. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۶۶)

ما باید نشان بدهیم جهان بینی اسلام نه با جهان بینی غرب
منطبق است و نه با جهان بینی شرق و به هیچکدام شان وابسته و
محتاج نیست. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۶۴)

شهید مطهری و مبارزه با جمود و جهالت

دو بیماری خطرناک همواره آدمی را در این زمینه [تطابق با مقتضیات
زمان] تهدید میکند: بیماری جمود و بیماری جهالت، نتیجه بیماری
اول توقف و سکون و باز ماندن از پیشروی و توسعه است و نتیجه
بیماری دوم سقوط و انحراف است.

جامد از هر چه نو است متنفر است و جز با کهنه خو نمیگیرد و
جاهل هر پدیده نوظهوری را بنام مقتضیات زمان، بنام تجدد و ترقی
موجه می‌شمارد. جامد هر تازه ای را فساد و انحراف می‌خواند و جاهل
همه را يك جا بحساب تمدن و توسعه علم و دانش می‌گذارد.

جامد میان هسته و پوسته، وسیله و هدف فرق نمی‌گذارد، از نظر
او دین مأمور حفظ آثار باستانی است، از نظر او قرآن نازل شده است
برای اینکه جریان زمان را متوقف کند و اوضاع جهان را بهمان حالی که
هست می‌خکوب نماید.

از نظر او عمه جزو خواندن، با قلم نی نوشتن، از قلمدان مقوایی
استفاده کردن، در خزانه حمام شستشو کردن، با دست غذا خوردن،
چراغ نفتی سوختن، جاهل و بیسواد زیستن را بعنوان شعائر دینی
باید حفظ کرد. جاهل برعکس، چشم دوخته به بیند در دنیای مغرب
چه مد تازه و چه عادت نوی پیدا شده است که فوراً تقلید کند و نام
تجدد و جبر زمان روی آن بگذارد.

جامد و جاهل متفقا فرض میکنند که هر وضعی که در قدیم بوده

است، جزء مسائل و شعائر دینی است، با این تفاوت که جامد نتیجه میگیرد این شعائر را باید نگهداری کرد و جاهل نتیجه میگیرد اساساً دین ملازم است با کهنه پرستی و علاقه به سکون و ثبات. (نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۱۸)

شهید مطهری و حساسیت به آیات و روایات

اسلام شناسی غیر از اسلام سرایی است، اگر ما بخواهیم اسلام را بشناسیم مانند هر مورد دیگر باید محتوای اسلام را از کتاب و سنت قولی و عملی قطعی طرح کنیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. ما نمی توانیم از پیش خود سخنی درباره توحید اسلام معاد اسلام انسان از نظر اسلام جامعه از نظر اسلام سخن بگوییم بدون آن که متون اصلی اسلام را در این زمینه طرح کنیم. (استاد مطهری و روشنفکران، ص ۳۶)

شهید مطهری و جریان مارکسیسم و ماتریالیسم منافق

ماتریالیسم در ایران در یکی دو سال اخیر به نیرنگ تازه‌ای بس خطرناک تر از «تحریف شخصیتها» دست یازیده است و آن تحریف آیات قرآن کریم و تفسیر مادی محتوای آیات با حفظ پوشش ظاهری الفاظ است. این نیرنگ، نیرنگ جدیدی است و از عمر آن در ایران کمتر از دو سال می گذرد. (علل گرایش به مادیگری، ص ۲۹)

مطالعه نوشته‌های به اصطلاح تفسیری که در یکی دو سال اخیر منتشر شده و می شود، تردیدی باقی نمی‌گذارد که توطئه عظیمی در کار است. در اینکه چنین توطئه‌ای از طرف ضد مذهبها برای کوبیدن مذهب در کار است، من تردید ندارم. آنچه فعلاً برای من مورد تردید است این است که آیا نویسندگان این جزوه‌ها خود اغفال شده‌اند و

نمی‌فهمند که چه می‌کنند و یا خود اینها عالما عامدا با توجه به اینکه با کتاب مقدس هفتصد میلیون مسلمان چه می‌کنند، دست به چنین تفسیرهای ماتریالیستی زده و می‌زنند؟ ما نظر به اینکه در این نوشته‌ها آثار و علائم خامی و بی‌سوادی را فراوان می‌بینیم - و به چند نمونه اشاره خواهیم کرد - ترجیح می‌دهیم که فعلاً ماتریالیسمی را که به صورت تفسیر آیات قرآن در این یکی دو سال اخیر تبلیغ می‌شود، «ماتریالیسم اغفال شده» بنامیم و اگر پس از این تذکرات، باز هم راه انحرافی خود را تعقیب کردند، ناچاریم آن ماتریالیسم را «ماتریالیسم منافق» اعلام نماییم. (علل گرایش به مادیگری، ص ۳۱)

فهم عالمانه قرآن و حدیث علیه السلام راه‌هایی از تحجر و التقاط

خلاصه هر چه نظام اسلامی گسترش پیدا کند و جلو برود، با مسائل جدید داخلی و بین‌المللی مواجه خواهد شد، با چالش‌های جدید مواجه خواهد شد، با وضعیتهای جدید مواجه خواهد شد و این او را نیازمند میکند به اینکه عقبه‌ی فکری تغذیه‌کننده‌ی نظام هم گسترش پیدا کند. آن عقبه‌ی فکری‌ای که نظام را دارد جلو میبرد و تغذیه میکند و از انحرافش جلوگیری میکند، باید تقویت بشود، باید مفاهیم جدید مطرح بشود. عرض کردم این مفاهیم جدید از بیرون نمی‌آید، از داخل خود مفاهیم اسلامی است، از متن قرآن و سنت است که مطرح میشود. البته این کار - پیدا کردن مفاهیم جدید و بحث کردن درباره‌ی اینها - کار همه کس نیست؛ فضلا و متفکرینی بایستی دنبال این کار بروند که با مبانی اسلامی کاملاً آشنا باشند، قرآن را با دقت مطالعه کرده باشند و تلاوت کرده باشند، تدبّر کرده باشند و از جمود و تحجر فکری دور باشند؛ چون از این طرف یک خطر این است که یک آدم بی‌صلاحیت و نیمه‌سواد و التقاطی وارد

استنباط‌های جدید از آیات الهی بشود، از آن طرف هم این خطر وجود دارد که یک آدم متحجّر که هنوز مسئله‌ی دخالت دین در زندگی اجتماعی و سیاست و حکومت برای او حل نشده بخواهد وارد بشود؛ نه، باید انسانهای متفکّر، شخصیت‌های برجسته [وارد کار بشوند]. این مسئله، مسئله‌ی اوّلی بود که خواستم عرض بکنم. این بحث ظرفیت زیادی دارد برای بررسی کردن، مطالعه کردن و در پیرامون آن حرف زدن و به نتایجی رسیدن. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۹/۱۲/۴)

اگر با قرآن انس گرفتیم، آن وقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از قشرهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبّر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سوالات گوناگون جواب بدهند. منظورم از سوالات، شبهه‌ها نیست؛ منظور سوالاتِ درباره‌ی زندگی است، زندگی کردن. الان میلیون‌ها سؤال در مقابل ما است. وقتی که یک جامعه‌ای با یک حکومتی، زندگی را به سمت آرمانهایی دارد حرکت میدهد و حرکت میکند، این [جامعه] با هزاران هزار سؤال مواجه است؛ در نوع ارتباطات، در نوع رفتار، در نوع موضع‌گیری‌ها، در نوع دشمنی و دوستی‌ها، در نوع برخورد با مال، در نوع برخورد با امور دنیا؛ اینها همه سوالاتی است که مطرح است؛ همه‌ی این سؤالات جواب دارد. بشریت گمراه و بدبخت شد، به خاطر اینکه جوابهای درست این سؤالات را پیدا نکرد. بدبختی امروز دنیا -و بشر- به خاطر این است که جوابهای درست را به این سؤالات بلد نشد، فرا نگرفت؛ پاسخهای غلط، پاسخهای انحرافی، پاسخهای گمراه‌کننده دریافت کرد، به ذهنش رسید، عمل کرد، [لذا] امروز رسیده به اینجا؛ دنیا امنیت ندارد، صفا

ندارد، معنویت ندارد، آرامش روحی ندارد، دل‌های آحاد جامعه با یکدیگر صاف نیست؛ این وضعیّت امروز دنیا است، همه‌ی دنیا این جور است. (بیانات در محفل انس با قرآن کریم؛ ۱۳۹۶/۳/۶)

هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم؛ که «اَنّی تارک فیکم الثَّقَلَین» یا «اَنّی تارک فیکم الثَّقَلَین»؛ دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم. این جلسه‌ی قرآن، این آموزش قرآن، این تجوید قرآن، این حُسن تلاوت قرآن با نغمه‌های خوب، با صدای خوب، همه مقدمه برای این است. این را به چشم ذی‌المقدمه نگاه نکنیم، این مقدمه است؛ از اینجا باید وارد شد و با قرآن انس گرفت. (بیانات در محفل انس با قرآن؛ ۱۳۹۲/۴/۱۹)

در صورت کم‌کاری منتظر عقوبت باشیم

از جمله‌ی چیزهایی که خیلی ذهن بنده را مشغول میکند به عنوان یک مسئول، خطاب به حضرت یونس (سلام الله علیه) است که ایشان یک حرکتی انجام دادند که ناشی از یأس و خستگی بود یعنی قومشان به ایشان جواب ندادند؛ آن وقت خدای متعال به این پیغمبر که یک عمر هم در [بین] این جمعیت زحمت کشیده بود و خستگی برای او معنا نداشت میفرماید: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» (انبیاء/۸۷) خیال کرد ما به او سخت نخواهیم گرفت؛ خیر، بر او سخت میگیریم؛ و سخت هم گرفت و آن مجازات کدائی برای جناب یونس به وجود آمد. بنده غالباً وقتی که احساس بی‌عملی میکنم - چه در خودم، چه در دیگران، چه در مسئولین - به یاد این [آیه] می‌افتم که «فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ»؛ خیال میکنیم که

این بی‌توجهی، بی‌اهتمامی، بی‌عملی موجب واکنش تند از طرف حضرت باری تعالی (جلّ جلاله) نخواهد شد؛ چرا، خواهد شد؛ یعنی این معنا عملیاتی میشود برای ما، عینی میشود و خودش را نشان میدهد. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۹/۱۲/۴)

مدرسه تربیت و رشد اسلامی

mtarbiat.ir